

باید حضور تمام و کمال داشته باشید و این حضور صد در صدی است که باعث می‌شود مخاطب با شما همراه شود. بنابراین کارتان سخت‌تر خواهد بود و همانقدر که سخت‌تر است لذت بخش‌تر هم هست. در سینما شما می‌توانید تکرار و برداشت‌های مختلف داشته باشید و از ترفندهای سینمایی مختلفی برای بازی شما استفاده شود اما از آنجایی که در تئاتر به صورت بی‌واسطه با مخاطب روبرو هستید کارتان سخت‌تر است. در عین حال وقتی در تئاتر با تمرین، تمرکز و حضور به نقش دست پیدا می‌کنید لذتش چند برابر می‌شود.

### آذین نظری، بازیگر:

#### ما بچه‌های تئاتر چشم به راه مخاطبان هستیم

**در دو اپیزود از این نمایش به دو کاراکتر متفاوت پرداخته‌اید که تفاوت در ژست‌های بدنی‌شان کاملاً محسوس است تا جایی که این تصور ایجاد می‌شود که این دو کاراکتر از نظر وزنی هم متفاوت هستند.**

خیلی خوشحالم که چنین تفاوتی را حس کرده‌اید و به واقعیت این است که این دو، کاراکترهای کاملاً متفاوتی هستند. در اپیزود اول پرستار یا همان کاراکتر سایه در مواجهه ابتدایی با اتفاقی که در واقع بسیار هم بزرگ است خیلی راحت برخورد می‌کند و تصور من این بود که احتمالاً از آن دست پرستارهایی است که در جمع دوستان و همکارانش کمی شوخ طبع‌تر از دیگران می‌نماید، با مسائل راحت‌تر کنار می‌آید و حتی ممکن است سابقه کاری‌اش بیشتر از بقیه باشد. بنابراین من می‌توانم با چنین مسئله‌ای راحت‌تر مواجه‌شود و حتی همکاری‌اش را دل‌پذیر بدهد. زمانی که همه این فکت‌ها و اتفاقات را کنار هم می‌گذاریم قطعاً شرایط بدنی‌مان به عنوان بازیگر هم تأثیر می‌گذارد. شخصاً سعی کردم که صورت‌تم، صورت رهاتری باشد و خوشحالم که این مسئله در اکت بدنی‌ام مشهود بوده است. کاراکتر ساره اما دقیقاً برعکس کاراکتر سایه است دغدغه زیادی نسبت به آینده‌اش و شرایط رابطه عاطفی‌اش دارد و با مسائل زیادی درگیر است. در شرایط فعلی اکثر ما اتفاقاتی نظیر این دیده‌ایم و در اطراف، خانواده یا بین دوستان‌مان بوده‌اند کسانی که به خاطر تحصیل، کار یا مسائل دیگر مجبور به مهاجرت می‌شوند و همه ما این دغدغه‌ها را درک می‌کنیم. در این میان وابستگی برای زنان معنای وسیع‌تری دارد و همین وابستگی کاراکتر ساره را از سایه تفکیک می‌کند. یعنی حتی در بدن این دو کاراکتر تفاوت محسوسی ایجاد می‌کند، اینجا و در مورد ساره شاید با یک بدن تنها روبرو هستیم. من یک سری کلمات را به عنوان یادآوری کننده در نظر گرفتم تا بتوانند در شرایط بدنی‌ام تأثیرگذار باشند در مورد ساره این تنهایی و وابستگی بسیار پررنگ است در اولین مواجهه ساره در آن هیاهوی فرودگاه تنها به نظر می‌رسد به همراه چمدانی که متعلق به خودش نیست. از این تنها بودن و اینکه حتی دم رفتن هم مسئولیت چمدان یک فرد دیگر را به دوش می‌کشد متوجه می‌شویم که این فرد به شدت دغدغه‌مند است و این سرتیترها آنقدر بزرگ است که بتوانیم این دو کاراکتر را از هم تفکیک کنیم.

**از جذابیتی که منجر به این همکاری شد بگویید.**

یکی از مهم‌ترین عوامل برای من نام محمد مساوات است، اسم محمد مساوات به خاطر کارهایی که کرده و سابقه‌ای که دارد ذهنیتی طی این سالها برای من ایجاد کرده که به صورت ناخودآگاه می‌دانم با یک اثر جذاب و دیدنی طرف هستم. با خواندن متن هم می‌بینم که دیالوگ‌ها چه مهندسی دقیقی دارند، کاراکترهای زن در هر اپیزود چقدر جذاب و کامل هستند و با اینکه هر اپیزود نهایتاً ۱۵ دقیقه است اما کاراکترها کاملاً شناسنامه دارند و می‌توانید فضای روحی و ذهنی آنها را درک کنید. همه این‌ها خیلی جذاب بود همینطور برای من بازیگر چالش بسیار جالبی بود که در عرض نیم ساعت تا چهل دقیقه یعنی در دو اپیزودی که بازی می‌کنم بتوانم دو کاراکتر متفاوت را به مخاطب نشان بدهم و این پروسه جذاب و هیجان‌انگیزی یکی از دلایل قبول این پروژه بود. علاوه بر این خوش شانس هستم که پارتنرهای خوبی مثل الهام شفیعی و سجاد تالیش دارم که مدت‌هاست در این عرصه فعالیت می‌کنند و رزومه خیلی خوبی دارد و می‌دانستم که می‌توانیم کنار هم کارهای جالبی کنیم.

#### سخن پایانی

در این شرایط آشفته بازار و مسائلی مانند آلودگی هوا، ترافیک، هزینه‌های زندگی و مسائل مختلفی که هر کسی به اندازه خود با آن درگیر است ما بچه‌های تئاتر باز هم چشم به راه مخاطبان هستیم و هیچ چیزی برای ما جذاب‌تر از این نیست که تماشاگر فهیم می‌آید و اجرای ما را می‌بیند و در تئوالم می‌بینیم که صندلی‌های سالنمان پر شده و در نهایت می‌فهمیم که مخاطبان‌مان راضی بوده‌اند، احساس غرور می‌کنیم. همه اینها برای ما بسیار خوشحال‌کننده است و امیدوارم که این اتفاق همینطور ادامه داشته باشد و ما هم بتوانیم با اجراهای بهتر و بهتر تماشاگر را هر روز راضی‌تر نگه داریم.



### الهام شفیعی، بازیگر:

#### بازی رئال در تئاتر می‌تواند سخت‌تر باشد

**نقش آفرینی شما در سریال «در انتهای شب» مسلماً در خاطر مخاطبان مانده است اما در دو اپیزود این نمایش دو کاراکتر متفاوت را بازی می‌کنید. از تفاوت‌های این دو کاراکتر که در نقش پردازی به آن بیشتر توجه کردید بگویید.**

در اپیزود اول این نمایش نقش پرستاری به نام آبان را بازی می‌کنم و در اپیزود آخر نقش زنی به نام هانا که مترجم زبان آلمانی است. مثل هر اثر دیگری در این دو نمایشنامه هم بر اساس موقعیتی که طراحی شده و بر اساس دیالوگ‌ها و برخوردی که کاراکترها با موقعیت دارند به شناخت از کاراکترها رسیدیم. با توجه به فرصت کوتاه هر اپیزود، برای بازی کردن این کاراکترها باید موقعیت‌ها به درستی هر چه تمام‌تر درک می‌شد. کاراکترهایی که من بازی می‌کنم به نسبت موقعیتی که تجربه می‌کنند هر دو بسیار مضطرب هستند و باید خودشان را از موقعیتی که برایشان پیش آمده نجات دهند و برای من خیلی مهم بود که تلاش کنم این دو کاراکتر را از هم تفکیک کنم. کاراکتر اپیزود اول یعنی آبان را کم سن و سال تر و کم تجربه‌تر در نظر گرفتم و تلاش کردم اضطرابش بیرونی‌تر باشد و ویژگی‌هایی را برای بیان و بدنش در نظر گرفتم. برای نقش هانا نیز اضطراب و تنش درونی‌تری را در نظر گرفتم، در واقع می‌خواستم که او با لغانه‌تر رفتار کند. در همین راستا تلاش کردم زن جا افتاده‌تری از خود به نمایش بگذارم که امیدوارم این اتفاق افتاده باشد و این دو کاراکتر برای مخاطب تفکیک پذیر بوده باشد.

**آیا بازی رئالیستی در تئاتر با توجه به اینکه در مدیوم تئاتر مخاطب تک‌تک اجزا و حرکات بازیگر را می‌بیند سخت‌تر است؟** به نظر من بازی رئال در تئاتر می‌تواند سخت‌تر باشد به دلیل اینکه مخاطب به شما بسیار نزدیک است و شما می‌توانید به سادگی لو بروید.

### بازیگر این نمایش بگویید.

همانطور که گفتم من قبل از هر چیزی خودم را بازیگر می‌دانم و عملاً از بازی بازیگرانی لذت می‌برم، دوست دارم کارهایشان را دنبال کنم و به نوعی الگوی خودم هستند که در هر اثری شکل و شمایل و کاراکتر جدیدی ارائه می‌کنند. بنابراین خودم نیز بر این باور بودم و حال در این متن و در کاراکتر پردازی‌های آن این تفاوت‌ها وجود دارد و من هم تمام تلاشم این بوده که این تفاوت‌ها عینیت بیرونی داشته باشد و خدا را شکر می‌کنم که این اتفاق افتاده چون کامنت‌هایی که می‌گیرم بر این مطلب صحت می‌گذارد اما معتمد که این بیشتر متن است که این کار را انجام می‌دهد و بعد من بازیگر، یعنی در ابتدا این متن است که کاراکترهای متفاوت از هم ایجاد کرده و اگر بازی من در کاراکتر کیوان و کیارش خوب است متن خوب باعث آن شده است.

### تئاتر لبخند به تازگی به جمع سالن‌های خصوصی نمایش پیوسته از همکاری با این سالن و ویژگی‌های آن بگویید.

من از افتتاح هر سالن جدیدی خوشحال می‌شوم به هر حال تئاتر ما به سمت تئاتر خصوصی رفته و در کنار همه کاستی‌ها نقاط قوت خود را نیز دارد که خارج از بحث ماست اما به شخصه از بسته شدن هر سالن تئاتری ناراحت و دلسرد می‌شوم. سالن تئاتر لبخند، یک سالن با امکانات کامل است که به نظرم بهترین سالن خصوصی حال حاضر تئاتر ایران است. در واقع افتتاحیه سالن شماره ۱۲ این مجموعه با نمایش ما بود و این در حالی بود که بسیاری از کم و کاستی‌های سالن هنوز برای خود مجموعه هم جان‌نفته بود. بنابراین ما چالش‌هایی داشتیم اما این چالش‌ها ربطی به امکانات سالن و مدیریتش نداشت می‌توانم بگویم که همکاری بسیار خوبی با این سالن داشتیم و دوست دارم این همکاری ادامه داشته باشد و حداقل سالی یک نمایش در این سالن داشته باشم و فکر می‌کنم اضافه شدن این سالن کامل و عالی به سالن‌های تئاتر ایران اتفاق بسیار مهمی است.